بسیج امام
فانوس
۵۱
در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی/شماره پنجاه و یکم / پاییز ۱۳۹۷



فتح قریب

گفتاری از حجت‌الاسلام و المسلمین سید هاشم الحیدری
پیرامون شرایط پیروزی معنوی جبهه مقاومت
و نحوه هم‌افزایی هیأت ها در اربعین حسینی





فانوس ـ در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی

شماره پنجاه و یکم، پاییز ۱۳۹۷

اربعین، فصل انتقال تجربیات

گفتاری از حجت‌الاســـلام و المسلمین سید هاشم الحیدری پیرامون شرایط پیروزی معنوی جبهه مقاومت و نحوه هم‌افزایی هیأت ها در اربعین حسینی، شهریور ۱۳۹۴، مجتمع یاوران مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، قم

دومین همایش ملّی هیأت‌های فعال در عرصه اربعین، پاییز ۱۳۹۶، مجتمع یاوران مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، قم

تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر

طراح جلد: مجتبی خاوری

صفحه‌آرا: حسن ناصری

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰ (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر

قم ــ صندوق پستی: ۱۵۱۳ - ۳۷۱۹۵

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲

رایانامه: info@۱۵۴۲.org

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org

بسم الله الرحمن الرحیم



مقدمه

اربعین، فرصتی است بی‌نظیر برای تطهیر روح، نزدیکی به پروردگار و فراهم کردن توشه راه و همچنین فرصتی است برای انتقال تجربیات ملت‌های مسلمان به یکدیگر تا ضامن تداوم اسلام و مظهر وحدت و عظمت امت اسلامی باشد. اربعین و دیگر آیین‌های مذهبی شیعه دارای اسرار معنوی، سیاسی و اجتماعی است که به همان میزان و وسعت دارای تأثیرات معنوی، سیاسی، اجتماعی و جهانی نیز هست.

متن پیش‌رو حاصل دو سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین سیدهاشم الحیدری در جمع خادمان هیأت‌های سراسر کشور است. سخنرانی اول در پنجمین همایش ملی هیأت‌های محوری و برگزیده کشور(شهریورماه ۱۳۹۴- شهر مقدس قم)، بیان شده است. ایشان در این سخنرانی پس از بیان برخی از ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی کشور عراق در زمان کنونی، شیوه تعامل صحیح زائرین ایرانی با میزبانان عراقی و زائران همه کشورها را گوشزد نموده و اربعین را فرصتی برای انتقال تجربیات مؤمنین به یکدیگر برای تشکیل تمدّن بزرگ اسلامی معرفی کردند.



سخنرانی دوم نیز در دومین همایش هیأت‌های فعال در عرصه اربعین (مهرماه ۱۳۹۶- شهر مقدس قم) ایراد گردیده است که به موضوع ضرورت و اهمیت توجه به وحدت میان شیعیان در مراسم اربعین حسینی و توجه هرچه بیشتر به عنصر معنویت در این گردهمایی بزرگ پرداخته شده تا همان طور که به تعبیر رهبر معظم انقلاب، هیأت امام حسین علیه‌السلام نباید سکولار باشد، جریان اربعین حسینی نیز باید در راستای ایجاد تمدن بزرگ اسلامی باشد و از خطر انحراف و سکولاریزه شدن در امان بماند.

مشروح بیانات ایشان در این شماره از فانوس تقدیم محضر عزیزان می‌گردد.



بســم‌الله الرحمن الرحیم. الحمد لله ربّ‌العالمین و الصلاة و الســلام علی البشیر النذیر و السراج المنیر، سیدنا و مولانا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا المصطفی الامجد المحمود الاحمد ابی‌القاسم محمد و علی آل‌بیته الاطیبین الاطهرین المنتجبین لاسیما بقیةالله فی الارضین مولانا و سیدنا الحجةبن‌الحسن ارواحنا له الفداء و عجل الله فرجه.

استفاده از ظرفیت اربعین برای تبادل تجربیات به جهت مبارزه با دشمنان

بحث اربعین و آن تجمع بزرگ، بلاشــک یک فرصت خیلی بزرگ است برای تبلیغ و ترویج تفکر امام حسین‌ؑ و انقلاب و امام و ولایت. من در ابتدای عرایضم می‌خواستم سخنان مقام معظم رهبری را بخوانم که به نظرم با بحث اربعین خیلی متناسب است. ایشان این سخنان را چند هفته پیش در دیدار مسئولان حج فرموده‌اند که به نظرم، دو نکته در آن وجود دارد که با بحث اربعین ما خیلی متناسب است. ایشان فرموده‌اند یک جنبه دیگر، تبادل تجربیات با یکدیگر اســت. خیلی از کشورهای اسلامی تجربیاتی دارند. فرض بفرمایید ملت ایران در مواجهه با دشــمن، شناسایی دشمن و اعتمادنکردن به او و اشتباه‌نگرفتن دوست با دشمن

ملت ایران در مواجهه با دشمن، شناسایی دشمن و اعتمادنکردن به او و اشتباه‌نگرفتن دوست با دشمن تجربه دارند و دچار اشتباه نمی‌شوند و در شناسایی دوست از دشمن از اول انقلاب تا حالا فهمیده و دانسته‌اند که دشمن حقیقی لدود و لجوج، همان استکبار جهانی و آمریکا و اسرائیل هستند

تجربه دارند و دچار اشـــتباه نمی‌شوند و در شناسایی دوست از دشمن از اول انقلاب تا حالا فهمیده و دانســـته‌اند که دشـــمن حقیقیِ لدود و لجوج، همان اســـتکبار جهانی و آمریکا و اسرائیل هستند. نکته دوم، اینکه یکی از تجربه‌های ملت ایران، ایجاد اتحاد می‌باشد. به تعبیر ایشان، در کشورهای ما در مسائل سیاسی، فکری و عقیدتی، اختلاف زیاد است، امّا مردم با وجود این اختلافات، وحدت خودشان را حفظ کرده‌اند. این کلام آقا بود.

به نظرم در بحث اربعین، دو موضوع و دو نکته خیلی مهم هســـت و ما باید به این نکته‌ها توجه کنیم: یکی وحدت شیعیان عراق و دیگر، بحث دشمن‌شناسی. این دو در وضع منفی عراق خیلی مؤثر اســـت. الان به نظرم توجه به ایـــن دو مقوله برای بهبود وضع بد و منفی موجود در عراق خیلی مؤثر است. یکی از کارهای مهم دشمن در عراق، ایجاد تفرقه نه بین سنی و شیعه، بلکه بین خود شیعیان است. مسئله دوم، یعنی دشمن‌شناسی در عراق بسیار مهم است.

مشکلات و پیچیدگی‌های مربوط به مسائل عراق

بنده کارم در عراق اســـت؛ البته من سال‌هاست که در قم زندگی می‌کنم، ولی دوازده سال در عراق کار کردم و هنوز هم کار می‌کنم به نظرم در بحث عراق، یکی از مشـــکلات مردم، همان بحث دشمن‌شناســـی اســـت. آمریکا برای تغییر تمرکز مردم عراق بر دشمن حقیقی خیلی تلاش می‌کند. هدف این تلاش آن است تا آمریکا به عنوان دوست معرفی شود. حدود دوازده ســـال قبل، آمریکا با ارتش ۱۶۰ هزار نفری آمد و صدام را ســـاقط کرد. مردم عراق، حدود ۳۵ سال در حکومت ظالم و مستبد زندگی کردند و بعد یک کشور آمد و آن‌ها را از این حکومت طاغوتی نجات داد و از جهت سیاسی نه اعتقادی، طبیعی است که مردم عراق به آمریکا به عنوان دوست نگاه کردند.

در بحث عراق، یکی از مشکلات مردم، همان بحث دشمن‌شناسی است.

آمریکا برای تغییر تمرکز مردم عراق بر دشمن حقیقی خیلی تلاش می‌کند.

هدف این تلاش آن است تا آمریکا به عنوان دوست معرفی شود.

خطر نفوذ آمریکا و جبهه استکبار از لحاظ فرهنگی و سیاسی

در زمان همان حکومت بعثی و طاغی صدام، ما به کار مبلّغی و تأســـیس خط امام در عراق مشـــغول بودیم و همواره یکی از سختی‌های کار ما همین بحث آمریکا به عنوان دشمن یا دوست اول عراق بود و هست. من به‌صراحت می‌گویم، بعضی از روحانیان شیعه عراق، آمریکا را به عنوان دوست معرفی می‌کنند که این مسئله بسیار خطرناک است. ان‌شاءالله که همه در ایران، آمریکا را به عنوان یک دشمن بشناسند و معرفی کنند. این مورد، مربوط به همان فرمایش مقام معظم رهبری است که فرمودند نفوذ اقتصادی و امنیتی مهم نیست، بلکه نفوذ فرهنگی و سیاسی، یعنی تغییر باورها بسیار اهمیت دارد و خطرناک است.

در ایران با وجود این‌که حدود چهل ســـال از انقلاب اســـلامی بـــه رهبری امام خمینی رحمه‌الله می‌گذرد و تاریخ هشت ساله دفاع مقدس را با آن شهدای گران‌قدرش در کارنامه دارد و نیز با وجود علمای بزرگوار و حوزه علمیه با بصیرت، باز هم مقام معظم رهبری هر لحظه در مورد نفوذ سیاسی و فرهنگی غرب و آمریکا هشدار می‌دهد. وضع ایران که چنین باشد، باید گفت وای به حال اوضاع عراق. اکنون سفارت آمریکا در بغداد، بزرگ‌ترین سفارت دنیاست. درست

است که ارتش آمریکا بیرون رفت، ولی آثار آن هنوز وجود دارد و این خیلی خطرناک است و با همان بحث دشمن‌شناسی (به تعبیر عربی، معرفة‌العدو) ارتباط پیدا می‌کند.
از طرف دیگر، آمریکایی‌ها دائماً سعی می‌کنند به اهل سنت عراق القا کنند که شیعیان دشمنشان هستند و نیز تلاش می‌کنند که بین شیعیان اختلاف بیفکنند یا آنان را رقیب هم‌دیگر معرفی کنند. هم‌چنین بین مردم عراق شبهه می‌اندازند که این چهار میلیون یا دو میلیون و نهصد هزار زائر ایرانی که برای اربعین آمدند، در اصل برای نفوذ در عراق بوده است. با وجود این همه تبلیغات، به نظرم همه چیز برعکس است؛ یعنی به تعبیر سیدحسن نصرالله، تمام این اختلاف‌افکنی‌ها و آمدن داعش و آمریکایی‌ها در صحنه، باعث برکت و همدلی بیشتر برای ما شیعیان شد، چراکه سردار سلیمانی و دوستان سپاه قدس آمدند و شهید دادند و مقداری این فرهنگ عوض شد. الحمدلله ایرانی‌ها به دلیل پای‌بندی به مقدسات آمدند نه برای نفوذ سیاسی و فرهنگی(برخی این‌طور فهمیده یا باور کرده‌اند). در نتیجه، مهم‌ترین مسئله در عراق، بحث دوست و دشمن‌شناسی است.

این مورد، مربوط به همان فرمایش مقام معظم رهبری است که فرمودند

نفوذ اقتصادی و امنیتی مهم نیست،

بلکه نفوذ فرهنگی و سیاسی،
یعنی تغییر باورها
بسیار اهمیت دارد و
خطرناک است.

ایران‌هراسی، پروژه جدید آمریکا و غرب برای تفرقه‌افکنی میان مسلمانان

یک طرف ایران و در طرف دیگر، آمریکاست. در ایران، بحث دشمنی‌کردن با آمریکا و «مرگ بر آمریکا» گفتن، عادی است و در لبنان نیز این مسئله طبیعی شده است و آمریکا و اسرائیل به عنوان دشـــمن اول معرفی می‌شوند، اما در عراق این‌طور نیست، به‌خصوص الان که همه می‌گویند داعش دشمن اول ماست. حالا بعضی هم می‌گویند ایران دشمن اول ماست، چون الان تبلیغات علیه ایران در شـــبکه‌های مرتبط با عربستان، قطر، ترکیه و آمریکا بسیار زیاد است و تمام اعراب می‌گویند که ایران دشمن اول جهان عرب است.

دیروز و در ایام حج، اجلاســـی در ریاض، پایتخت عربســـتان و جهان اسلام با عنوان «نفوذ المشروع الصفوی فی داخل الوطن العربی او العالم العربی» برگزار شد. من شنیدم که اجلاس دوم نیز در ترکیه برگزار می‌شـــود. حالا نمی‌دانم درســـت اســـت یا نه، ولی خبرها این‌طور گفته‌اند. پس ما یک تبلیغات همه‌جانبه علیه ایران داریم. آن‌ها نمی‌گویند شـــیعیان، چون شیعیان در جهان عرب زیاد هستند، به‌خصوص در عراق و غیره، بلکه «صفوی» می‌گویند، مانند زمان صدام که عراقی‌ها به ایرانی‌ها مجوسی می‌گفتند؛ در این زمان، این‌طور دارند القا می‌کنند. به دولت ولایت فقیه و علما و مراجع، می‌گویند صفوی‌ها، این در همین اجلاس‌ها به صورت علنی اســـت. رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای در خبرها در برنامه‌های‌شان، همین شـــبکه‌های مرتبط با قطر و به‌خصوص عربستان، طبیعی اســـت که بگویند «اکذب اکذب اکـــذب، حتی یصدقک الناس، اکذب اکذب اکذب، حتی تصدق نفســـک»؛ دروغ بگویید تا این‌که مردم باور کنند و دروغ بگویید تا خودتان هم باور کنید. چنین اتفاقی در جهان عرب دارد اتفاق می‌افتد.

ایجاد درگیری و تفرقه، وسیله آمریکا و هم‌پیمانانش برای کنترل جوامع اسلامی

هیأت‌ها و زواران ایرانـــی به عراق می‌روند و غیر از بحث زیارت، کارهای فرهنگی نیز انجام می‌دهند. درمورد داعش، مقام معظم رهبری و سیدحســـن نصرالله فرمودند ما اطلاع کامل داریم که حضور این گروه تروریســـتی در عراق با چراغ ســـبز آمریکا و کنترل آن‌ها و کمک مالی عربستان است، ولی الان می‌گویند که ائتلاف بین‌المللی علیه داعش تشکیل داده‌اند که این قطعاً دروغ است. داعش هنوز در کنترل آمریکا، عربستان، قطر، ترکیه، اسرائیل و غیره است. حالا چه داعش و چه جبهۀ النصره، القاعده یا طالبان، فرقی ندارد.

چندی پیش شـــاهد اعتراضات و تظاهرات مردم در عراق بودید. در ایران هم راهپیمایی ۲۲ بهمن هر ســـاله اتفاق می‌افتد. تظاهرات در عراق برای اعتراض به فســـاد در کشور و بیشتر برای اصلاحاتی اســـت که مرجعیت دینی نجف به آن‌ها دعوت کرده‌اند. الان سفارت آمریکا وارد صحنه شده اســـت و می‌خواهند موج این اعتراضات را به سمت تحقق اهداف خود در عراق بکشانند. به نظرم الان خطرناک‌ترین مسئله در عراق، همین بحث اصلاحات است که یا دینی یا ملی و یا آمریکایی بشـــود. باید بدانید که در بعضی از این اعتراضات، مردم علیه ایران شعار دادند و گفتند ایران باید از بغداد بیرون برود تا عراق، آزاد و مستقل باشد (البته آن‌هایی که با سفارت آمریکا در ارتباط بودند). خوب، این اصلاحات چه ربطی به ایران دارد؟ اعتراضات به فساد شرکت‌های احزاب سنی‌ها و شیعیان و حتی اسلامیون است، ولی آمریکا ســـعی می‌کند این اصلاحاتی را که مرجعیت و حضرت آیت‌الله سیســـتانی به آن‌ها دعوت کردند منحرف و متوجه ایران و جمهوری اســـلامی کند. خوب این فعالیت‌ها الان هست و دارد قوی‌تر و مستحکم‌تر می‌شود.

کسب تجربه مردم ایران و انقلاب اسلامی برای این شرایط سخت عراق بسیار کارگشاست

و تجمع میلیونی اربعین، فرصتی است برای انتقال این تجربه که مقام معظم رهبری بر آن تأکید فرموده‌اند.

انتقال تجارب ملل اسلامی در تجمعات بزرگ دینی و مذهبی

در جریان مراســـم اربعین باید کلام مقام معظم رهبری را جدی بگیریم. درســـت است که ایشـــان این ســـخنان را در جریان حج فرمودند، ولی اگر ســـخنرانی مقام معظم رهبری را مطالعـــه کنید، می‌بینند بحث حج موضوعیت ندارد، بلکه به تعبیر علما طریقیت دارد؛ یعنی کلام ایشـــان درمورد هر تجمع عظیمی صدق می‌کند. این مسئله، انتقال تجربه مردم ایران به مردم جهان است.

آقایانی که به حج رفته‌اند می‌دانند که در آن مراسم، مردم کشورهای بسیاری از جهان حضور دارند؛ از بحرین، کویت، آفریقا، آمریکا و... . عراقی‌های بسیاری هم حضور دارند که اگر این تجارب را کسب کنند، برای خودشان بسیار مفید و مؤثر است. اگر اوضاع عراق به‌سامان شود، به نفع اسلام و جمهوری اسلامی است. کسب تجربه مردم ایران و انقلاب اسلامی برای این شـــرایط سخت عراق بسیار کارگشاست و تجمع میلیونی اربعین، فرصتی است برای انتقال این تجربه که مقام معظم رهبری بر آن تأکید فرموده‌اند.

متأسفانه ما شیعیان زیاد در تاریخ زندگی می کنیم، اما بلد نیستیم حسین زمانمان را بشناسیم.

در همین مراسم اربعین، حدود بیست میلیون نفر پیاده‌روی می کنند که هدف اکثرشان رسیدن به ضریح و بارگاه امام حسین ﷺ است نه روح ایشان.

برای حرم امام حسین ﷺ پیاده‌روی می کنند نه برای حقیقت او و احیای شعائر و هدف ایشان.

فرق زیاد است.

احیای شعائر و اهداف امام حسین ﷺ در جریان مراسم اربعین

متأسفانه ما در عراق مشکل داریم. البته در ایران هم مشکل وجود دارد. من با فرهنگ هر دو کشور کاملاً آشنا هستم و شاید بهتر از همه شما، چون من سال‌ها و بیش از نصف عمرم را در ایران بوده و هستم و با فرهنگ عراق و جهان عرب نیز آشنایی کامل دارم. همان‌طور که در ایران، اصطلاح هیأت‌های سکولار به کار می‌رود، در عراق نیز ما با چنین جریان منحرفی روبروییم که اســـم آن‌ها را نمی‌گویم. البته ما هیأت‌های سکولار نداریم، ولی همان خط در میان شیعیان عرب وجود دارد (غیر از حزب‌الله و بعضی از پیروان خط ولایت در منطقه) که اگر فرصت شد، بعداً عرض می‌کنم.

متأســـفانه ما شـــیعیان زیاد در تاریخ زندگی می‌کنیم، اما بلد نیســـتیم حسین زمانمان را بشناســـیم. در همین مراسم اربعین، حدود بیست میلیون نفر پیاده‌روی می‌کنند که هدف اکثرشان رسیدن به ضریح و بارگاه امام حسین ﷺ است نه روح ایشان. برای حرم امام حسین ﷺ پیاده‌روی می‌کنند نه برای حقیقت او و احیای شـــعائر و هدف ایشـــان. فرق زیاد است. نمونه‌اش همین خط منحرفی که الان هســـت و به تعبیر مقام معظم رهبری، تشیع لندنی است که خیلی مصرّانه اعتقاد دارند کارهایشان برای احیای شعائر امام حسین ﷺ است و بس!

تقویت جبهه ولایی برای احیای اهداف امام حسین(ع)

ما می‌گوییم خط ولایت برای احیای شـــعائر و هدف‌های امام حســـین(ع) باید تقویت شود. خیلی فرق دارد. در عراق، آن‌هایی که رفته‌اند می‌دانند که هیأت‌های حسینی زیادی هست. با وجود این، به نظرم چون برای آن‌ها تبلیغ نشـــده است، یعنی خواص عراق این بحث‌ها را زیاد مطرح نمی‌کنند و خودشان غافل یا متغافل‌اند، اکثر افراد اصلاً با تفکرات و رهنمودهای امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری آشـــنا نیســـتند. افرادی هم که آشنایی دارند، به آن تفکرات، باور و اعتقاد ندارند. می‌خواهند با سینه‌زدن و این نوع کارها شعائر حفظ و احیا شود و دیگر به مواردی مانند فرهنگ عزاداری و شناختن حسین و شمر زمان اهمیتی نمی‌دهند. نمی‌دانند تکلیف چیست و از کجا تکلیف می‌گیریم. دشمن و دوست زمان ما کیست؟ این مسائل اصلاً دغدغه مردم بی‌بصیرت نیست.

حالا این‌جا می‌گوییم شاید بحث استضعاف و مستضعف‌بودن مطرح باشد. این‌طور هستند. بالاخره ما به بحث معرفت حســـین زمان و یزید و دشـــمن عصرمان خیلی نیاز داریم. البته الحمدلله در ایران خیلی معروف شـــده است، ولی این بحث باید به عراق منتقل شود، چون تکلیف شرعی را از حسین زمان اخذ می‌کنیم، نه از حسین تاریخ. ما با حسینِ تاریخ دوستی می‌جوییم و با یزیدِ تاریخ دشمنی می‌کنیم و این درست و بسیار مهم است، ولی کافی نیست.

منظور ایشان این بوده است که هیأت‌ها باید حسینی باشد نه سکولار.

باید حسین زمان را بشناسید نه فقط حسین تاریخ را.

باید یزید زمان را بشناسید و از او تبرّا جویید تا این که عاشورایی شوید

شناخت حسین و یزید زمانه

می‌دانیـــد هر انقلابی یک پیامی دارد و در کشـــورها وقتی انقلابی صـــورت گیرد به عربی می‌گویند: البیان رقم واحد؛ پیام شماره یک. پیام شماره یک انقلاب عاشورا همان در مدینه بود. وقتی والی مدینه با امر یزید خواســـت از امام حســـین﵇ بیعت بگیرید به ایشان گفت: «یا اباعبدالله بایع یزید». این‌جا همان پیام اول امام حســـین برای انقلاب عاشورا صادر شد. امام﵇ گفت: «نحن اهل‌بیت النبوة و معدن الرسالة و مختلف الملائکة و...». ما تا آخر این‌طور هســـتیم. ما اهل‌بیت‌النبوه هستیم. ســـپس فرمودند که دشمن کیست و یزید فاسقِ فاجر، چنان اســـت یا این‌طور اســـت. یزید یک مرد فاجرِ فاسقِ مُعلن به فجور (یعنی انجام‌دهنده علنی فجور مقابل مردم) اســـت. بعد این‌جا گفتند: «مثلی لا یبایع مثله». ایشان نگفت من با یزید بیعت نمی‌کنم. این کلمه در فارسی و عربی خیلی فرق دارد. اگر می‌گفت «انا لا ابایع یزید»، قضیه مربوط به امام﵇ و شخص یزید بود؛ یعنی من با یزید بیعت نمی‌کنم. نه، ایشان فرموده‌اند نوع من با نوع او بیعت نمی‌کند؛ یعنی در همان زمان باید حسین زمان و دشمن

و شمر زمان را بشناسند.
من داستان امام کاظم﵇ را همیشه می‌گویم، زیرا خیلی عبرت‌آموز است. می‌دانید حرم امام کاظم﵇ الان در کاظمین است. ایشان به روایتی هفت سال و به روایت دیگر، چهارده سال در زندان بغداد بوده‌اند که حال، ما به حد کمتر آن استناد می‌کنیم. من این سؤال را دارم که شیعیان آن زمان کجا بودند؟ می‌دانید کجا بودند؟ شیعیان آن زمان، یعنی دوران هارون‌الرشید که طاغوت زمان بود، به مراسم اربعین و برای زیارت امام حسین﵇ می‌رفتند و هر محرم، عزاداری می‌کردند و موکب‌ها و هیأت‌ها داشتند (البته نه با شکل امروزی). شیعیان آن زمان، حسین زمان خودشان را نشناختند. لم یعرف حسین زمانهم، حسین زمانهم فی السجن. امام کاظم﵇ حسین زمان آن‌ها بود. کجا بود؟ در زندان!
مقام معظم رهبری قبلاً بحثی در مورد اربعین مطرح کرده‌اند که بسیار مهم است. ایشان فرمودند اگر ما عاشورایی باشیم، زمینه ظهور ولی‌الله‌الاعظم﵊ فراهم می‌شود. آیا منظور مقام معظم رهبری این بوده است که باید هیأت‌ها و موکب‌ها زیاد شود؟ نه، این‌طور نیست، بلکه به نظرم منظور ایشان این بوده است که هیأت‌ها باید حسینی باشد نه سکولار. باید حسین زمان را بشناسید نه فقط حسین تاریخ را. باید یزید زمان را بشناسید و از او تبرّا جویید تا این‌که عاشورایی شوید و الّا مثلاً با چلوخورشت قیمه نمی‌توانید عاشورایی شوید (معمولاً قیمه نجفی در میان عرب‌ها خیلی معروف است یا بالاتر، در اربعین خیلی زیاد می‌شود). به تعبیر دیگر، هیأت‌ها باید در کنار خدمات مادی‌شان به زائران، بر تفکر، فرهنگ و معرفت آنان به حسین زمانشان نیز تأثیر گذارند.

اعتقاد راسخ به ولایت فقیه، عنصر اصلی پیروزی و سربلندی شیعیان

من همیشه به عنوان یک عراقی به ایرانی‌ها می‌گویم که شما باید بحث ولایت را خیلی باور کنید. بعضی ایرانی‌ها قدر جمهوری اسلامی و ولایت فقیه را خیلی نمی‌شناسند. من همیشه از سیدحسن نصرالله شنیده‌ام که پیروزی حزب‌الله و مقاومت نه به سبب شهادت و جانبازی، بلکه مرهون اعتقاد به ولایت بوده اســـت و مقاومت و شـــهادت منهای ولایت، هیچ ارزشی ندارد. ایشان این مسئله را همیشه می‌گویند و حتی یک روز ایشان گفتند: «مرةً قال لی انا یومیا، یومیا ادعوالله سبحانه و تعالی، ادعوا من الله، ان اخذ من عمری و عمر زوجتی و اولادی و احفادی». او حتی می‌گفت من بر پدر و مادرم ولایت ندارم و برای آن‌ها دعا نمی‌کنم، اما همیشه می‌گفت: «یاخذ عمرنا لعمر سید القائد، الامام القائد».

من در اربعین گفتم (البته در بغداد بودم) امروز دشمن از پیاده‌روی شما نمی‌ترسد، به‌صراحت می‌گویم، آمریکا از موکب‌ها، هیأت‌ها و حرم امام حســـین‌ؑ به‌تنهایی نمی‌ترسد، بلکه اگر پیاده‌روی با روح ولایت عجین شـــود، این پیاده‌روی خطرناک می‌شود، اگر سینه‌زنی با بوی

من همیشه از سیدحسن نصرالله شنیده‌ام که پیروزی حزب‌الله و مقاومت نه به سبب شهادت و جانبازی، بلکه مرهون اعتقاد به ولایت بوده است و مقاومت و شهادت منهای ولایت، هیچ ارزشی ندارد.

ولایت باشد، این سینه‌زنی خطرناک می‌شود. آن‌ها از نماز و عمامه و روحانی شیعه و سنی و حتی از حوزه علمیه نمی‌ترسند، اگر چاشنی ولایت در این‌ها نباشد. چرا از حزب‌الله کوچک می‌ترسند، چون به تعبیر سیدحسن نصرالله، حزب‌الله و مقاومت با ولایت و مقام معظم رهبری ارتباط دارد و این ارتباط، عشقی است. امام حسین﵇ در شب عاشورا به یارانش گفت: دیگر تکلیف ساقط شد. این‌جا بحث عشق به میان آمد. شب ظهور هم همین‌طور اگر امام زمان﵇ گفتند شما بروید، باید بمانیم، ولی با عشق.

سیدحسن نصرالله واقعاً عاشق مقام معظم رهبری است. ایشان سه ماه پیش به من گفت اعتقاد به ولایت فقیه فقط در اطاعت نیست و بحث اوامر و نواهی نیست، بلکه جزو بدیهیات است. تعبیر ایشان عیناً این است: «ان تفرح لفرحه و تحزن لحزنه»؛ خوش‌حال بشود اگر آقا خوش‌حال شد و غمگین بشود اگر آقا غمگین شد. خیلی حرف است.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته



بسم الله الرحمن الرحیم، الحمدلله الرب العالمین و الصلاة و السلام علی بشیر نذیر و سراج منیر و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا المصطفی الامجد المحمود الاحمد ابی‌القاسم محمد و علی آل‌بیته الاطیبین الاطهرین المنتجبین و بقیةالله فی الارضین مولانا و سیدنا الحجةبن‌الحسن ارواحنا له الفدا و عجّل الله فرجه.[1]

ماهیت و ویژه نهضت حسینی علیه‌السلام

سخن از نهضت حسین علیه‌السلام بدون سخن از پیروزی خون بر شمشیر ممکن نیست. سخن از نهضت امام حسین علیه‌السلام سخن از یک جماعتی و غلبه پیداکردن است، ولی در حد مفاهیم و افکار و معنویات؛ یک پیروزی معنوی. پیروزی نظامی در روز عاشورا به طرف یزید بود، اما پیروزی معنوی و غلبه افکار و مفاهیم و ارزش‌ها برای امام حسین علیه‌السلام بود. در واقع این هنر کربلاست. عجیب است. الان ما در عراق و جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن برای پیروزی به عاشورا متوسل می‌شویم، ولی این پیروزی در عاشورا، پیروزی نظامی نبود،

۱. سخنرانی دوم

بلکه معنوی و فقط پیروزی خون بود. چگونه این مفاهیم و ارزش‌های کربلا و عاشورا با وجود گذشتن حدود ۱۴۰۰ سال از آن منتشر و قوی شد که یقیناً تا روز قیامت، همه رزمندگان و مجاهدان و مقاومت و نظام اسلامی به این عظمت مفتخرند؟ حضرت امام خمینی رحمه‌الله می‌فرماید: هر چه ما داریم، کلّ ما لدینا من عاشورا.

واقعاً عجیب است؛ به عنوان مثال جوانان، وقتی یک تیمی در یک بازی موفق شد و تیم بعدی، این فیلم را به خاطر پیروزی نگاه می‌کنند، اما چگونه است که ما به عاشورا متوسل می‌شویم و تکرار می‌کنیم و درس عبرت می‌گیریم، ولی پیروزی نظامی در روز عاشورا نبود! فقط پیروزی معنوی بود. به تعبیر امام حسین علیه‌السلام فتح است. فاتح غیر از منتصر است. بحث فتح از نصر و پیروزی بالاتر است. خیلی بالاتر؛ یعنی موفقیت و غلبه معنوی و ارزش‌ها.

پس ما دو نوع پیروزی داریم: یکی پیروزی نظامی که همان ظاهری و اعتباری است و دیگر، پیروزی معنوی که همان پیروزی واقعی می‌باشد. غلبه واقعی، همان غلبه ارزش‌ها بر غیرارزش‌هاست. حالا برای حکومت‌ها و کشورها و ارتش‌ها از زمان یزید و قبل از آن تا به امروز معمول است؛ مثلاً خود یزید از جهت نظامی موفق شد و حجاج، متوکل، فرعون و صدام در برابر مردم عراق به پیروزی نظامی رسیدند، ولی این پیروزی نظامی با پیروزی معنوی همراه نبود.

سخن از نهضت امام حسین علیه‌السلام سخن از یک جماعتی و غلبه پیداکردن است، ولی در حد مفاهیم و افکار و معنویات؛ یک پیروزی معنوی.

پیروزی نظامی در روز عاشورا به طرف یزید بود، اما پیروزی معنوی و غلبه افکار و مفاهیم و ارزش‌ها برای امام حسین علیه‌السلام بود.

در واقع این هنر کربلاست.

مزیت پیروزی معنوی نسبت‌به پیروزی نظامی و مادی

در کل تاریخ، ما کم داریم آن‌هایی که به پیروزی نظامی رسیده‌اند همراه با پیروزی معنوی بوده باشند. خیلی سخت است. اهداف پیروزی نظامی، مساحت، مرز، منافع دنیوی و شخصی، حزبی، عشیره‌ای و ملی است، اما هدف پیروزی معنوی خیلی بالاتر و مرز آن خیلی وسیع‌تر از دنیاست، چون بحث معنویت و موفقیت در تاریخ و بحث فکر و اخلاق و ارزش‌هاست. هم‌چنین مرز غلبه معنوی، خیلی بزرگ‌تر از منافع شخصی و بلکه منافع ملی یا حزبی و یا غیره است. درواقع هدف بزرگ یک جنگ معنوی، خدا و عبودیت است.

آخرین جمله امام حسین﵇ قبل از شهادت، یعنی در حرکت از مدینه به طرف مکه تا کربلا چیست؟ همان هدف امام حسین﵇ است. این همه خون، جانبازی و اسارت زنان و بچه‌ها به خاطر چیست؟ فقط برای حکومت است؟ قطعاً این‌گونه نیست. درست است که حکومت اسلامی یک هدف می‌باشد، ولی بالاتر آن، خداست.

تعبیر امام حسین﵇ خیلی جالب است. چند دقیقه قبل از شهادت، تعبیرشان مبنی بر

«رضیً بقضائک تسلیماً لامرک، لا معبود سواک» خیلی زیباست. «رضیً بِقضائک» اصلاً ترجمه نمی‌خواهد. من راضی به رضای توام. «تسلیماً لامرک» تسلیم محض. «لا معبود سواک» فقط تو هستی و معبودی غیر از تو وجود ندارد. این برای جنگ معنویت. این برای جنگ نظامی حتماً نیســـت. البته می‌شود مانند جنگ بدر در زمان حضرت پیغمبرﷺ هم پیروزی نظامی محقق شـــود هم پیروزی معنوی. پیغمبرﷺ با ارزش‌ها و فکر و رفتار و هدف خوب به نتیجه پیروزی نظامی و معنوی رسید.

در پیروزی معنوی می‌شود یک نفر بر یک امت کامل غالب بشود.

اگر خودش به مرحله قله معنوی رسید و مردم به قله پایانی و انحطاط رسیدند، باز هم می‌شود این پیروزی محقق بشود. همان کربلاست.

این هنر کربلاست.

شرایط تحقق پیروزی نظامی (مادی) و معنوی

این مقدمه برای نیازهای فرهنگی امروز ماست، چون گفتند اصل بحث این است، ولی باید خلاصه کنم. شرایط تحقق پیروزی نظامی و ظاهری، عواملی مثل وجود یاران، حضور مردم در صحنه و نیز سلاح است و البته معنویت هم وجود دارد، به‌خصوص در میان مسلمانان و شیعیان، اما در کل و به عنوان یک نتیجه کلی، اگر مردم و سپاهیان نباشند، هیچ کشور و ارتشی به پیروزی نظامی نمی‌رسد.

شرایط پیروزی معنوی چیست؟ هر قیام، قیام معنوی نیست و هر پیروزی، پیروزی معنوی نیست. در کربلا کمبود یار و بدعهدی مردم و عدم حضور آن‌ها بود، ولی این‌ها مانع تحقق پیروزی معنوی نشد. فقط ۷۲ نفر بودند. مردم بدقولی کردند. حضور مردم نبود، ولی چگونه این پیروزی معنوی محقق شـــد؟ به تعبیر مقام معظم رهبری که ســـال‌ها پیش گفتند اگر عبـــاس‌ؑ، علی‌اکبرؑ و حتی اگر هیچ‌کـــس نبود، باز هم کربلا و همان قیام حضرت اتفاق می‌افتاد؛ یعنی در پیروزی معنوی می‌شود یک نفر بر یک امت کامل غالب بشود. اگر خودش به مرحله قله معنوی رســـید و مردم به قله پایانی و انحطاط رســـیدند، باز هم می‌شود این پیروزی محقق بشود. همان کربلاست. این هنر کربلاست.

تأثیر نهضت عاشورا بر قیام‌های اسلامی امروزی

ما در جبهه مقاومت، چه در عراق در زمان جنگ و پیروزی انقلاب اسلامی و چه در سوریه، لبنان، فلسطین، یمن، بحرین، نیجریه، پاکستان و افغانستان به همان پیروزی معنوی امام حسین(ع) متوسل شدیم نه پیروزی نظامی، چون پیروزی نظامی اصلاً وجود ندارد. هدف امام حسین(ع) نجات اسلام از تحریف و نابودی بود، چون وضع اسلام خیلی خطرناک بود. مردم برای تحقق این هدف نیامدند، ولی خون وجود دارد. این خون موجب حفظ اسلام است. پیروزی خون بر شمشیر.

در زمان ما این‌طوری نیست. زمان ما زمان پیروزی خون بر شمشیر نیست. پس چیست؟ زمان ما زمان پیروزی خون و شمشیر است. به تعبیر مقام معظم رهبری، ما دیگر در شرایط شعب ابی‌طالب نیستیم. این را خودم می‌گویم. ما در شرایط عاشورا، ولی با پیروزی خون به همراه شمشیر هستیم. زمان ما این‌گونه است. زمان ما زمان غلبه حق بر باطل است. غلبه در خون مثل شهید حججی‌ها. این خون شهید حججی چه کار کرد! یا مثلاً خون شهید

ما در شرایط عاشورا، ولی با پیروزی خون به همراه شمشیر هستیم

زمان ما این گونه است.
زمان ما زمان غلبه حق بر باطل است.

عماد مغنیه، شهید ابومنتظر محمد در عراق، شهید حسین بدرالدین حوثی در یمن، شهید سیدعباس موسوی در لبنان و شهید سیدعارف حسینی در پاکستان. قسمت دیگر، غلبه شمشیر حق است؛ مثل جنگ احد و بدر. زمان ما این‌گونه است.

از سه سال پیش تا امروز فقط پیروزی به دست آورده‌ایم. درست است که شهید هم زیاد دادیم، ولی غلبه شمشیر حق بر شمشیر باطل اتفاق افتاد. در سوریه نیز همین‌طور. به تعبیر سردار سلیمانی، امروز داعش فقط دو ماه دیگر پایدار است. چیزی نمانده است.

بیچاره امریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها وقتی کردهای عراق گفتند ما استقلال می‌خواهیم و تصمیم داریم یک دولت کُرد در شمال عراق تأسیس کنیم، اولین نظام نامشروع که خوش‌حال شد، همان اسرائیل بود. نتانیاهو گفت: این دولت کُرد در شمال عراق برای ما یک ذخیره استراتژیک است، ولی دیروز بحث کرکوک و خانقین و مرز ایران تمام شد. این کُردها با مسعود بارزانی مرتبطند و او نیز با استکبار ارتباط دارد و لب مرز ایران بودند. این نقشه خیلی خطرناک بود، ولی باز با حضور به‌حقِّ مرد بزرگ (ولی فقیه) و سردار سلیمانی و حشدالشعبی عراق و با مجاهدت حکومت و مرجعیت عراق، الان شمشیر بر نقشه دشمن غالب شد. خون هم نبود. حالا چند نفر شهید شدند.

پیروزی معنوی، لازمه پیروزی نظامی و مادی

یکی از دوستان ما و از رهبران مقاومت و بزرگان مقاومت حشدالشعبی دیروز شهید شد. ما در فرودگاه این را شنیدیم. پس غلبه معنوی می‌شود با غلبه نظامی همراه باشد. این خیلی مهم است. به تعبیر دیگر، باید به همراه پیروزی نظامی، پیروزی معنوی نیز در جبهه برایمان حاصل شود؛ یعنی غلبه عقل بر جهل و اخلاق و ارزش‌ها بر ستم و ظلم و آخرت بر دنیا در نهاد انسان. این مسئله چگونه ممکن است؟ مثل همان شب عاشورا. امام حسین﵇ می‌فرماید که دیگر تکلیف شرعی نیست. گفتند که نمی‌شود. قبحک الله دنیا بعدک یا اباعبدالله. بدون شـــما دنیا قبیح است. این غلبه عشـــق بر جهل است و بلکه غلبه عشق بر عقل؛ یعنی عقل خشک. این‌جا می‌گویند: خوب، دیگر تکلیف ساقط شد. برو بیرون. حالا یک روزنامه یا یک اجلاس و یا یک روضه برای ذکر امام حسین﵇. یاران امام حسین﵇ گفتند نمی‌شود. همان غلبه. به نظرم ســـرّ عاشورا نه در روز عاشـــورا، بلکه در شب عاشوراست. در شب عاشورا این پیروزی معنوی محقق شـــد. البته این را با پیروزی شمشیر هم می‌شود حاصل کرد؛ یعنی پیروزی معنویت. کار ماست. این باید باشد.

باید به همراه پیروزی نظامی، پیروزی معنوی نیز در جبهه برایمان حاصل شود؛

یعنی غلبه عقل بر جهل و اخلاق و ارزش‌ها بر ستم و ظلم و آخرت بر دنیا در نهاد انسان.

توجه به عنصر معنویت در هیأت‌های عزاداری اربعین حسینی

من چند ماه پیش در مشهد گفتم که یک روز مقام معظم رهبری فرمودند ما هیأت سکولار نداریم. درست است. به نظرم درمورد اربعین، بحث اجلاس، اسکان، آب، غذا، راه و امکانات مهم است، ولی اولین هیأت اربعین، هیأت حضرت زینب بود. هیأت حضرت زینب نه اسکان داشت، نه آب و نه غذا. پس این هیأت حضرت زینب چه داشت؟ پیام داشت. مهم‌ترین چیزی که در هیأت حضرت زینب بود، همان امتداد عاشوراست، فرهنگ است، صداست.

به تعبیر بنده که استنباطی از کلام مقام معظم رهبری است، ما در اربعین، کباب ترکی سکولار نداریم و تمام آن مراسم باید خدمتِ همراه با معنویت باشد؛ مثل جبهه. شمشیر یا سلاحِ همراه با بصیرت و معنویت. خدمت در اربعین هم باید این‌طور باشد. الحمدلله تبلیغ در حال بیشترشدن است. حتماً باید بیشتر بشود، چون اگر عصر اربعین، این خدمت و زحمت و هزینه تمام شود و به خانه برگردیم و هیچ تغییری در نفوس و عقل و فکر و نیت و بصیرت ما حاصل نشود، خیلی فایده ندارد و مثل یک سفر است همراه یک خیمه و غذای خوب که الحمدلله مردم عراق با ماهی و کباب ترکی و فلافل پذیرایی می‌کنند. از بعضی آقایان و خانم‌های ایرانی می‌شنویم که می‌گویند حتماً امسال می‌رویم آن عمود یا ستون شماره فلان، چون آن‌جا فلافل‌هایش خیلی خوب است. باید فلافل همراه با معنویت باشد، چون ما فلافل سکولار نداریم.

شناخت اسلام واقعی و تقویت آن در عصر کنونی

به نظرم به‌طور خلاصه این مورد از نیازهای فرهنگی زمان ماســـت. این هم فقط مربوط به عراق نیســـت، بلکه مربوط به کل جبهه مقاومت است. یکی ایمان واقعی به اسلام است. ما چند تا اســـلام داریم: یک اسلام فقط شعائر اســـت. یک اسلام، اسلام اربعین است. این هم یک اســـلام است. یک اسلام، خشک و متحجر اســـت. یک اسلام انگلیسی و آمریکایی هم داریم. تأکید و تبلیغ می‌کنیم که آن‌ها با اسلام سیاسی، انقلابی، جهادی و اسلام با بصیرت فرق می‌کند.

در ایران، نظام ولایت فقیه، مردم انقلابی و میلیون‌ها شـــهید از روز اول انقلاب یا قبل از آن وجود داشـــته‌اند و باز هم مقام معظم رهبـــری از تهاجم فرهنگی نگرانند. تهاجم فرهنگی، خطرناک‌تر از تهاجم نظامی است، چون سنگر فرهنگی، سخت‌تر از سنگر نظامی است. سنگر فرهنگی خیلی سخت است، چون نفوذ فرهنگی دشمن خیلی خطرناک‌تر از نفوذ با امنیت یا نفوذ نظامی اســـت. نفوذ نظامی معروف است و با ارتش می‌آید، ولی شناخت و تشخیص ارتش فرهنگی خیلی سخت است. پس باید در اربعین، اسلام ناب و واقعی (اسلام سیاسی، انقلابی و جهادی) را معرفی کنیم.

نفوذ فرهنگی دشمن خیلی خطرناک‌تر از نفوذ با امنیت یا نفوذ نظامی است.

نفوذ نظامی معروف است و با ارتش می‌آید.

ولی شناخت و تشخیص ارتش فرهنگی خیلی سخت است.

پس باید در اربعین، اسلام ناب و واقعی (اسلام سیاسی، انقلابی و جهادی) را معرفی کنیم.

تبلیغ حفظ وحدت اسلامی در جریان مراسم اربعین حسینی علیه‌السلام

مسئله دیگر، حفظ ایمان و وحدت اسلامی است. این‌جا مربوط به عراق است، چون در زمان اربعین، حتماً دیدارها با مردم عراق صورت می‌پذیرد. الان تأکید بر وحدت مردم عراق است. مقام معظم رهبری فرمودند ما اجازه نمی‌دهیم عراق تقسیم بشود. هدف اسرائیل، عربستان و آمریکا تقسیم و تجزیه عراق است. ما و کل جبهه مقاومت و شما بسیجی‌ها و انقلابی‌ها باید در اربعین تبلیغ کنیم و مردم عراق را برای حفظ وحدت، قانع نماییم. الحمدلله این وجود دارد، ولی چون نقشه‌ها زیاد است، وضع الان در عراق خیلی سخت است. الحمدلله پیروزی نظامی و سیاسی حاصل شده است، ولی ما از نفوذ فرهنگی و فکری می‌ترسیم.

بحث بصیرت و وحدت عراق است. اهداف و حرکات آخر بعضی از کُردها و حزب مسعود بارزانی برای ایجاد پایگاه برای اسرائیل در کردستان عراق، این‌ها خیلی خطرناک است. البته ولایت و مرجعیت(آیت الله سیستانی) و رهبری امام خامنه‌ای اجازه نمی‌دهد، ولی باز باید کار کنیم و برای جلوگیری از این هدف باید تبلیغ نماییم.

تأکید بر جبهه مقاومت است. امروز اگر ایران اسلامی قوی باشد، ما در عراق قوی هستیم.

من این را زیاد در جاهای مختلف ایران تکرار کردم ... و گفته‌ام و می گویم که خدای نکرده اگر در داخل ایران بین جناح چپ و راست یا در شمال و جنوب، هر اختلافی پیش آید، وقتی ما در خارج می‌شنویم می ترسیم،

چون امّ‌القرای اسلام، همین جمهوری اسلامی است.

تقویت جبهه مقاومت برای خنثی کردن نقشه‌های شوم استکبار

مسئله ســـوم، تأکید بر جبهه مقاومت است. امروز اگر ایران اسلامی قوی باشد، ما در عراق قوی هستیم. من این را زیاد در جاهای مختلف ایران مثل ساری، مازندران، بجنورد، بوشهر، مشـــهد و تهران تکرار کردم و به بعضی از ایرانی‌ها و حتی به شـــما حزب‌اللّهی‌ها گفته‌ام و می‌گویم که خدای نکرده اگر در داخل ایران بین جناح چپ و راست یا در شمال و جنوب، هر اختلافی پیش آید، وقتی ما در خارج می‌شنویم می‌ترسیم، چون امّ‌القرای اسلام، همین جمهوری اسلامی اســـت. قدرت ما در یمن، سوریه، عراق، لبنان، فلسطین و نیجریه برقرار است (الان دوازده میلیون شیعه در نیجریه هستند) و همه، مقلد مقام معظم رهبری هستند. آن‌ها وقتی می‌شنوند در ایران اختلاف هست نگران می‌شوند.

متأســـفانه قبول کنید یا نکنید، برخی افراد و حتی روحانیون انقلابی، مشـــکلات به وجود می‌آورند. بعضی از دوســـتان دو هفته آمدند در بغداد که ما دوره داشـــتیم. برای بچه‌های عراقی و انقلابی و عاشـــق ولایت به آن‌جا رفتند و به رئیس‌جمهور و وزرا حمله کردند. من ناراحت شـــدم. عصبانی هم شدم و این دوره را متوقف کردم. گفتم این برای شماست. چرا

این را منتقل می‌کنید. مقام معظم رهبری قبول می‌کنند. این همدلی و هم‌زبانی باید حفظ شود. هر ســـال این تکراری است. این شعار همیشه انقلاب است، چون جبهه مقاومت یک جبهه است. درست است، میدان‌ها مختلف است. الان امید حزب‌الله لبنان چه کسی است؟ من خودم از سیدحسن نصرالله شنیدم. اگر ایران نبود، اگر انقلاب نبود، مگر حزب‌الله وجود داشت؟ یا الان در فلسطین یا سوریه.

پس باید بحث جبهه مقاومت را جدی بگیرید. باید خودمان را قوی‌تر کنیم. قلب جهان اسلام این‌جاست. این حقیقت است و تعارف و شعار نیست. من افتخار می‌کنم. به خاطر چه؟ برای ولایـــت و تبلیغ ولایت و برای جبهـــه مقاومت. پس باید نظام را حفظ کنیم. در اربعین باید خودمان را تقویت کنیم. درست است که مشکلات وجود دارد. اختلافات هم وجود دارد، ولی منتقل نکنید. با این‌که من فقط یک طلبه هســـتم، اما فتوای شرعی است که این کار حرام می‌باشـــد. به نظرم در انتقال مشـــکلات درونی و مشکلات از بعد رحلت امام تا الان حرمت شرعی وجود دارد. چیزی هم نشده است. انقلاب هر روز دارد قوی‌تر میشود. بعضی از شماها خیلی هم ناامید هستید، نه آن‌هایی که دور هستند.

انقـــلاب خیلی قوی اســـت. بیـــرون را نگاه کنید. انقـــلاب در یمن و عراق چگونه اســـت؟ حشدالشعبی چیست؟ حزب‌الله چیست؟ الان یکی از ثمرات و آثار انقلاب، همین شخصیتی مثل سیدحســـن نصرالله یا سیدعبدالملک الحوثی یا حزب‌الله لبنان و یا حشدالشعبی عراق اســـت. چه کســـی بعد از ورود داعش به موصل آمد. مگر مردان ولی فقیه نیامدند. همین بچه‌های عراق و جوانان. البته با فتوای مرجعیت. این باید حفظ بشود، چون هر پیروزی جبهه مقاومت در هر میدان برای همه جبهه مقاومت است. قوت عراق قوت ایران، قوت لبنان قوت یمن و قوت بحرین قوت و قدرت برای سوریه است.

بحث آخر، تأکید بر ضرورت حفظ این پیروزی است، چون پیروزی گاهی گم می‌شود . جنگ

اُحد، جنگ دوم اســـلام است و پیغمبرﷺ فرمانده کل قوا بود و حضرت علی﵇ هم جانشین ایشان بود. ابتدا ارتش اسلام پیروز شد، ولی بعد بحث غنیمت‌ها پیش کشیده شد. به تعبیر شبکه خبر، یک خبر فوری آمد. گفتند غنیمت تقسیم می‌کنند و سربازان اسلام به آن سوی رفتند و خالدبن‌ولید و بعضی از مشـــرکان آمدند و این پیروزی به خاطر طمع به غنیمت از دست رفت.

پـــس تأکید اصلی بر حفظ پیروزی اســـت، زیرا هر پیروزی، ازبین‌رفتنی اســـت. پیروزی با هشـــت سال دفاع مقدس و با ســـخنرانی‌های مقام معظم رهبری و بعضی از علما به دست آمد و حالا بعضی از آقایان می‌گویند که ما نتوانســـتیم و فلانی آمد و رئیس شد. در لبنان، ســـخت‌ترین پیروزی بعد از ســـال ۲۰۰۰ و خروج اسرائیل به دست آمد. باید به آسیب‌های جنگ فرهنگی و جنگ نرم توجه داشـــت. پس امروز، پیروزی در سوریه و عراق باید حفظ بشود و خدای نکرده اگر به دنبال غنایم جنگ رفتیم، معلوم نیست چه اتفاقی می‌افتد، خدا هم تعارف ندارد.

هر پیروزی جبهه مقاومت در هر میدان برای همه جبهه مقاومت است.

سخن آخر این‌که اربعین یک تجمع بزرگ برای دفاع از هدف‌های امام حسین﵇ است؛ مثل حرکت حضرت زینب﵂ حرکت ایشـــان یک حرکت معنوی، فرهنگی، تبلیغاتی و رسانه‌ای برای حفظ پیروزی و هدف‌های امام حسین﵇ بود. این مسئله، کار لازم دارد. پیروزی و ادامه انقلاب اسلامی و پیروزی‌های مردم یمن، عراق، سوریه، کرکوک، سامرا و حشدالشعبی باید ان‌شاءالله با تبلیغ و کار شما در عراق، یمن، پاکستان، سوریه و لبنان حفظ بشود.

قوت عراق
قوت ایران،
قوت لبنان
قوت یمن
و قوت بحرین
قوت و قدرت برای
سوریه است.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.



هیأتِ تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأتِ الگویی که گوشه گوشه و لحظه‌لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر(عج) باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور...ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید. اما لازم است و ضروری...

***

در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است
که به دنبال ارتباط بیشتر
محبّان سیدالشهدا(ع) است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آیینه تولیدات
و فعالیت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...

۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org